

ضعف ملت‌ها و قوت الله سبحانه و تعالی

(ترجمه)

برخی مسلمانان در بحث و گفتگوی خویش بدین نظراند که برگشت حاکمیت اسلام با ایجاد خلافت بر منهای نبوت یک امر غیرممکن می‌باشد؛ زیرا آن‌ها استدلال می‌کنند که در این میان دولت‌های قوی و بزرگ؛ مانند: آمریکا، کشورهای اروپائی، روسیه، چین و دیگر کشورها فوراً در حین تأسیس‌اش دست به تخریب آن زده و مانع آن می‌شوند.

عده دیگر این دیدگاه را ارایه می‌دارند که تحریک کردن ارتش‌های کنونی در پاکستان، ترکیه، مصر و یا دیگر ارتش‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی، برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و یا سرزمین‌هایی که اوضاع در آن پرخشونت و متشنج است و مردمان آن قتل عام می‌شوند؛ مانند: فلسطین، سوریه و کشمیر، یک انتحار سیاسی و نظامی می‌باشد. برای آن عده کشورهایی که اکثریت نفوس مسلمان را داشته و ادعا دارند که نتایج این‌گونه برخورد نظامی حتماً به شکست مواجه خواهد شد؛ چون در این حالت، کشورهای اسلامی نه تنها با کشورها بزرگ مبارزه دارند؛ بلکه با کشورهای دوست و هم‌پیمان غربی و شرقی نیز مواجه خواهند شد. ادعای اساسی آن‌ها این است که دولت بزرگ کنونی را هیچ دولتی مغلوب و شکست داده نمی‌تواند و تا ابد حاکم خواهند بود. این طرز دید، نشان‌دهنده دیدگاه‌های رهبران فعلی جهان است، از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا که در سال 2017م در جریان بحث خود درباره زرادخانه هسته‌ای آمریکا گفت: "ما امیدواریم که هرگز مجبور نباشیم از این قدرت استفاده کنیم؛ اما زمانی هم فرآنخواهد رسید که قدرت‌مندترین ملت جهان نباشیم."

هرگاه در بین خود مسلمانان تعدادی را به این‌گونه باور نسبت به آینده مسلمانان داشته باشیم حتماً نزد مردم مفکوره شکست‌طلبی جایگزین می‌گردد و مردم عادی همیشه به واقعیت حاکم تسلیم گردیده، تداوم ظلم، خشونت و کشتار را خواهند پذیرفت. مسلمانانی که با این طرز دید بزرگ می‌شوند؛ هرگاه در سرزمینی مردم خواهان تغییرات وضع موجود شوند، آن‌ها تغییرات را از طریق ارگان‌های؛ مانند: سازمان ملل و یا از طریق روش‌های دیپلوماسی آن سازمان که با احزاب سیاسی مبارز می‌خواهند سازش نمایند، به میان آورند؛ زیرا مفکوره آن‌ها چنین است که واقعیت تباه کن موجوده را ملاک عمل قرار داده‌اند. ما بار بار شاهد کارکرد چنین سازمان‌ها در قبال حمایت خون‌بی‌گناهان بوده‌ایم که ناکام شده و به جای آن حاکمان ظالم، نظام و نهادهای ظالم را قدرت بیش‌تری داده‌اند و یا برعکس، این‌گونه احزاب و سازمان‌ها ابزاری‌اند که دولت‌های بزرگ برای تقویت وضع موجود، مطابق به حوزه نفوذ و سلطه خویش در جهان استفاده می‌کنند.

این چنین اندیشه‌های شکست‌پذیر از احساساتی که نتیجه اقدامات واقعیت‌های حاکم در جهان است، به وجود می‌آید. فرضاً پذیرفته شود که کشوری با قدرت نظامی بزرگ را نمی‌توان توسط کشور ضعیف‌تر شکست داد، آیا کنترل رویدادهای سیاسی و نظامی؛ مانند: کنترل دانه‌های شطرنج است؟ مطمئناً این‌گونه طرز دید -تنها تکیه بر قوت نظامی- را رد می‌سازد. این است که عمل خارجی‌ای در جهان در پشت صحنه در عقب پیروزی و تداوم ملل وجود دارد که آن الله سبحانه و تعالی، ذات قوی، قادر و توانا می‌باشد. این واقعیت برای جهانیان در زمان ظهور و گسترش ویروس کرونا برجسته گردید. این مخلوق کوچک که حتی به چشم

هم قابل رویت نیست رکود اقتصادی بزرگی را در جهان به وجود آورد. پیام کرونا برای آن طبقه درس عبرتی است که با چشمان باز ضعف ملل قوی را در مقابل قوت الله سبحانه و تعالی مشاهده کردند.

چنین درسی بار بار در قرآن کریم ذکر شده است که بسیاری از امت‌های گذشته و امپراتورهای بزرگ، گمان داشتند که از بین رفتن و شکست آن‌ها غیرممکن است و از هرگونه فروتنی و تسلیم شدن در پیش‌گاه الله سبحانه و تعالی امتناع ورزیدند و طغیان کردند؛ ولی الله سبحانه و تعالی به مؤمنین یادآوری می‌کند، تنها ذاتی که شکست‌ناپذیر است او سبحانه و تعالی است. چنان‌چه می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾

[الأنعام: 6]

ترجمه: آیا ندانسته‌اند که پیش از ایشان چه بسیار از ملت‌ها و اقوام را هلاک کردیم؟ که به آنان در پهنه زمین، نعمت‌ها و امکاناتی دادیم که به شما ندادیم و بر آنان باران‌های پی‌درپی و پر ریزش فرستادیم و نهرهای از زیر پای آنان جاری ساختیم / ولی ناسپاسی کردند؛ پس آنان را به کیفر گناه‌شان هلاک کردیم و بعد از آنان اقوامی دیگر را پدید آوردیم.

هم‌چنین فرموده:

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾

[الأنعام: 11]

ترجمه: بگو: در زمین بگردید! سپس به تأمل بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟

و هم‌چنین فرموده است:

﴿أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾

[التوبه: 70]

ترجمه: آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند، به اینان نرسیده؟ خبر قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که پیامبران شان برای آنان دلایل روشن آوردند [ولی نپذیرفتند]؛ خدا بر آن نبود که به آنان ستم ورزد؛ ولی آنان بودند که همواره بر خود ستم می کردند.

پس داستان قوم عاد که در قرآن کریم آمده است نزدیک ترین مثال به واقعیت امروزی است که آنها فکر می کردند شکست ناپذیر اند. و قوم عاد اولین قوم بودند که پس از حضرت نوح علیه السلام بت پرستی را آغاز کردند و در اثر طغیان توسط طوفان بزرگ الهی تباہ شدند. طوری که در سورت فجر می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ * إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ * الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾

[الفجر: 6]

ترجمه: آیا ندانسته ای که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ و با [آن شهر] ارم که دارای کاخ های با عظمت و ساختمان های بلند بود؟ همانا که مانندش در شهرها ساخته نشده بود.

امروزه قوت های بزرگ جهان در توانائی و سیطره برابر با قوم عاد نمی باشند؛ چون قوم عاد را رقیبی در جهان نبود، در تمام جهان هرچه می خواستند انجام می دادند و هیچ کس توان رقابت با آنها را نداشت. از لحاظ اقتصادی قوم عاد دارای ثروت و رفاه کامل بودند که از جمله باغ و باغچه های مختلف را در اختیار داشتند؛ طوری که دارائی آنها چنان زیاد بود که در بالای کوهها برای رقابت قصرها می ساختند که هیچ کس در آنها زیست نداشت؛ فقط برای نمایشِ فخر و بزرگی خود ساخته بودند. از لحاظ کثرت و نفوذ الله سبحانه و تعالی به آنها نسل بیش تر و جسدهای قوی و بزرگ داده بود. هم چنین الله سبحانه و تعالی این قوم را در ساختن شهرها مهارت و ذکاوت خوبی اعطاء کرده بود.

به هرحال با تمام نیروی که داشتند، آنها را تکبر و کفر به الله سبحانه و تعالی فراگرفت و رسالت هود علیه السلام را که برای هدایت و عبادتِ الله وحده لاشریک له فرستاده شده بود، انکار کردند. ادعا کردند که بزرگ ترین و قوی ترین امت روی زمین اند و نیاز به هدایت کسی ندارند. چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾

[فصلت: 15]

ترجمه: اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر کردند و گفتند: نیرومندتر از ما کیست؟ آیا ندانستند الله‌ای که آنان را آفرید از آنان نیرومندتر است؟ و [به گمان این که نیرومندتر از آنان وجود ندارد] همواره آیا ما را انکار می‌کردند.

آن‌ها به جای استفاده عاقلانه از قدرت خود برای کسب خیر، ظلم کردند و وحشیانه رفتار کردند. به همین دلیل الله سبحانه و تعالی باد بزرگی را بر آن‌ها فرستاده و آن‌ها را نابود کرد تا برای نسل‌های آینده نمونه‌ای از عبرت باشند که این تنها الله سبحانه و تعالی است که همه قدرت را در دست دارد و او قدرتمندترین و قادرترین ذاتی است که کارها را انجام می‌هد و تصمیم می‌گیرد تا نشان دهد که ظهور و سقوط ملت‌ها تنها در کنترل او است. طوری که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بَرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ * سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ
أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ * فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ﴾

[الحاقة: 6]

ترجمه: و اما قوم عاد با تندبادی بسیار سر و طغیان‌گر نابود شدند که الله آن را هفت شب و هشت روز پی‌درپی بر آنان مسلط کرد و [اگر آن‌جا بودی] می‌دیدى که آنان مانند تنه‌های پوسیده و پوک درختان خرما روی زمین افتاده و [هلاک شده‌اند].

این قوم بزرگ در چند روزی به قدرت الله سبحانه و تعالی توسط بادی که با چشم دیده نشده؛ بلکه تنها آثارش احساس می‌گردید؛ چنان نابود شدند که گویا اصلاً نبودند. سبحان الله! در مورد الله سبحانه و تعالی در سوره مبارکه فجر عهد بسته است که نهایت سرکش‌ها، ظالمین و کافران همان تباهی است و الله هیچ‌گاهی اجازه نمی‌دهد در روی زمین سرکشی و معصیت تداوم یابد. چنان چه می‌فرماید:

﴿فَأَكْتَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ * إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾

[الفجر: 12]

ترجمه: و در آن‌ها فساد و تباه‌کاری فراوانی به بار آوردند؛ پس پروردگارت تازیانه عذاب‌های گوناگون را بر آنان فرو ریخت. بی تردید پروردگارت در کمین‌گاه است.

و هم‌چنین فرمود:

﴿وَلَوْ يَأْخُذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهِمْ مِّن دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً
وَلَا يَسْتَفْتِدُونَ﴾

[النحل: 61]

ترجمه: و اگر الله مردم را به سبب ستمشان مؤاخذه کند، هیچ جنیده‌ای را [که مستحق مؤاخذه است] بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت؛ ولی آنان را تا مدتی معین مهلت می‌دهد؛ پس هنگامی که اجل‌شان سرآید، نه ساعتی پس می‌ماند و نه ساعتی پیش می‌افتد.

قانون الله سبحانه و تعالی در گذشته در برخورد با حاکمان و ملل ستم‌گر که حق را رد می‌کردند، فساد را گسترش می‌دادند و مؤمنین را عذاب می‌دادند، همین است. چنان‌چه ما دیدیم که چگونه الله سبحانه و تعالی نمود پادشاه ظالم را که فکر می‌کرد پروردگار جهانیان است، توسط موجودی کوچک مانند یک پشه از راه سوراخ بینی و به مغز او رسید، نابود کرد. ما دیدیم که چگونه پیامبر خود داود علیه السلام را توفیق داد تا با یک ضربه‌ای از یک سنگ کوچک، فرمانده بزرگ و قدرت‌مند فلسطین را که نافرمانی الله را می‌کرد کشت و از بین برد. ما شاهدیم که فرعون یک امپراتوری بزرگ را اداره می‌کرد، با ارتش خود در دریا چگونه غرق ساخت. هم‌چنین شاهدیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم تنها به کمک الله خود کفار قریش را در غزوه بدر شکست داد. تاریخ شاهد است که مسلمانان در خلافت عمر بن خطاب رضی الله عنه چگونه امپراتوری بزرگ فارس را که از نگاه تعداد و تجهیزات قوی‌تر بودند، در معرکه قادسیه شکست دادند؛ طوری که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا﴾

[مریم: 9]

ترجمه: چه بسیار ملت‌ها پیش از آنان [به سبب طغیان‌شان] هلاک کردیم، آیا کسی از آنان را می‌یابی، یا هیچ زمزمه و صدای آهسته از آنان می‌شنوی؟

درحالی که امم و امپراتورهای گذشته از نگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی از دولت‌های امروزه بزرگ‌تر بودند. طوری که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾

[فاطر: 44]

ترجمه: آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند سرانجام کسانی پیش از اینان زندگی می‌کردند و از اینان نیرومندتر بودند، چگونه بود؟ و هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین نیست که بتواند خدا را عاجز کند [تا از دسترس قدرت او بیرون رود]؛ زیرا او همواره دانا و تواناست.

تمام این موارد درس مستمری است برای بنی بشر و مبین این است که قوت و قدرت تنها از آن الله است و پیشرفت و تمدن بشر هر قدر هم بزرگ و قوی باشد؛ هرگاه الله سبحانه و تعالی نابودی آن را بخواهد با تمام امکان‌اش نابودش می‌سازد. این پندی است برای مومنین که هرگاه الله نصرت خود را شامل حال مومنین بسازد، هیچ قوت سیاسی، نظامی و اقتصادی آن را جلوگیری کرده نمی‌تواند.

با موجودیت این چنین شواهدی، اکنون هم برخی مسلمانانی یافت می‌گردد که پیروزی مسلمانان بر دشمنان خویش را افسانه‌های گذشته و تنها شایان حال رُسل و صحابه آن زمان می‌دانند و بالای مسلمانان عصر کنونی منحيث مثال و عبرت استفاده نمی‌کنند که با حوادث سیاسی موجود می‌توانند مبارزه کنند. اما در طول زمان ما شواهدی داریم که مسلمانان پس از عصر خلفای راشدین و صحابه در خلال حکمرانی بقیه خلفاء و یا حکام مسلمین هم پیروزی‌های قهرمانانه‌ای داشتند که چنین تصورات منطقی را کاملاً نفی می‌سازد؛ به عنوان مثال: پیروزی بزرگی که مسلمانان در برابر صلیبیون به رهبری قهرمان بزرگ سلطان صلاح‌الدین ایوبی در زمان خلافت عباسی به دست آوردند که منجر به آزادسازی سرزمین مبارک فلسطین و مناطق اطراف آن از چنگال صلیبیان گردید و در دل تاریخ منحيث عبرت دیگران ثبت گردید؛ طوری که در سومین جنگ صلیبی که منجر به نبرد مشهور حطین و آزادسازی بیت‌المقدس گردید، در آن جنگ آلمان، فرانسه و انگلیس اتحادی را تشکیل داده بودند که شامل یک ارتش بزرگی به رهبری پادشاهان آن‌ها بود و در تلاش باز پس‌گیری بیت‌المقدس متحد شده بودند، همه ناکام گردیدند.

در این نبرد برخی تحقیقات حاکی از آن است که ارتش آلمان به تنهایی‌اش حدود 300000 سرباز داشته است - که این رقم در آن زمان خیلی زیاد و بالایش حساب می‌شد. صلاح‌الدین با وجود داشتن تعداد ارتش کم در مقایسه با اتحاد صلیبیون؛ اما با آن هم توانست از بیت‌المقدس دفاع کند؛ چون وی عقیده کامل داشت براین‌که دفاع از بیت‌المقدس دفاع امر و دستور الله سبحانه و تعالی است و این سرزمین در اسلام سرزمین مبارکه و قابل احترام به شمار می‌آید. قدرت و نصرت الله سبحانه و تعالی در این جنگ از آن‌جا معلوم می‌گردد که گزارش شده است که وقتی ارتش صلیبی آلمان به سمت شام در حرکت بود، پادشاه آن‌ها فریدریک بارباروسا درگذشت و سپس در بین ارتش بیماری‌ها و اختلافات گسترش یافت، تا آن لحظه که ارتش برای مقابله با صلاح‌الدین به شام رسید، از آن جمله تعداد چند صد سرباز باقی ماند که به اثر ضعف و ناتوانی از بین رفتند. هم‌چنین در این معرکه یکی از کمک‌های الهی این بود که فلیپ دوم پادشاه فرانسه در زمان محاصره شهر عکا بیمار شد و با ارتش خود به فرانسه بازگشت و پادشاه انگلیس ریچارد را در برابر صلاح‌الدین تنها گذاشت. هم‌چنین ارتش ریچارد از شدت گرمی و کمبود آب آشامیدنی رنج می‌بردند و شب هنگام لشکری از عنکبوت‌های زهری آنان را نیش زد. پس در هنگامی که شهر قدس در چند متری چشم دید آن‌ها قرار داشت تنها 2000

سربازی باقی مانده بود که توان جنگ و تصرف شهر را نداشتند. الله اکبر! پس این یک درس بزرگی است برای مسلمانان که الله سبحانه و تعالی حامی و ناصر کسانی است که در پی بازگشت اسلام می‌باشند.

در خلال تاریخ اسلام شاهد چندین پیروزی بودیم؛ هرزمانی که مسلمانان برای اعلاء دین الله و اجابت به اوامر او سبحانه و تعالی و برای دفاع از اسلام و مسلمانان برخواسته بودند؛ باوجود قلت عدد و ضعف نظامی در مقابل دشمن خویش، الله سبحانه و تعالی مسلمین را نصرت داده است. به طور مثال در قرن 13م قبیله تاتار که انسان‌های وحشی‌ای بودند با هجوم بر خلافت اسلامی، خلیفه را اسیر و قتل نمود و تقریباً سه ربع سرزمین‌های اسلامی را اشغال کردند و زمانی که آن‌ها به سمت مصر آخرین مرکز اسلامی حرکت کردند، تاتار به حاکم مصر محمود سیف‌الدین قطز نامه‌ای نوشته و در آن گفتند: "سرزمین‌های اسلامی را تصرف، اطفال را یتیم، انسان‌ها را جزای سخت و قتل عام کردیم و انسان‌های عزیز آن را ذلیل و رهبران آن‌ها را اسیر گرفتیم؛ پس تو چه فکر می‌کنی به کجا فرار خواهی کرد؟" قطز از مسلمانان، علماء و خلیفه مسلمین برای دفاع اسلام و سرزمین اسلامی کمک خواست و آن‌ها را به یک پارچگی فراخواند. همان بود که در نبرد عین جالوت تحت فرمان دهی وی در ماه مبارک رمضان مسلمانان در مقابل تاتار پیروزی بزرگی را به دست آوردند. آن‌چه که قطز را در آزادسازی چندین سرزمین اشغال شده خلافت اسلامی مساعدت نمود، همان مبارزه برای دفاع از اسلام بود؛ نه هدف شخصی. مثال‌های زنده در طول تاریخ خیلی زیاد است. زمانی که مسلمانان برای الله و استجابت به اوامر او برخواسته‌اند با وجود قلت نفوذ، الله سبحانه و تعالی آن‌ها را نصرت داده باشد، خیلی زیاد است.

برعلاوه برای تحقق نصرت در مقابل دشمنان، وجود رسول، صحابه و هم‌چنین توازن قدرت هیچ شرط نصرت نمی‌باشد. طوری که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مَن فِتَّةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

[البقره: 249]

ترجمه: ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکننده الله اند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق الله بر گروه بسیاری پیروز شدند و الله با شکیبایان است.

کفار همیشه اصطلاحات توازن قوی؛ یعنی توازن قدرت سیاسی و نظامی را شرط پیروزی در میدان جنگ و سیاست جهان به کار برده‌اند. اما همیشه ضرور نیست طرز تفکیر مسلمانان همین‌گونه باشد؛ چون ما می‌دانیم که الله سبحانه و تعالی به اساس منطق و قضاوت فکر محدود بشری نصرت نمی‌دهد؛ بلکه الله سبحانه و تعالی برای اعطاء نصرت، قضاوت و مبدء معین خویش را دارد که آن عبارت از پیروی مسلمانان از اوامر الله سبحانه و تعالی، توکل بر آن و سعی برای نصرت دین اسلام است! طوری که می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾

[محمد: 7]

ترجمه: ای مؤمنان! اگر الله را یاری کنید، الله هم شما را یاری می‌کند و گام‌های تان را محکم و استوار می‌سازد.

هم‌چنین در زمان خلافت اسلامی نیز شاهد بودیم که هرگاه مسلمانان برای تطبیق اسلام و تحقق وحدت صفوف پیکار کردند، مطابق به وعده، الله خلافت اسلامی را قوی‌ترین دولت نگهداشت. تا آن‌جا که قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی‌اش تمام دنیا را فراگرفته دشمنان اسلام از آن ترسیدند و پیروزی‌های پی‌درپی را به دست آوردند تا این‌که سرحدات آن مناطق زیادی را در برگرفت- از اسپانیه تا آسیای میانه؛ ولی زمانی که مسلمانان در آموختن، فهم و تطبیق اسلام در چوکات دولت خلافت تنبلی و سستی کردند و به جای آن افکار بیگانه‌گان را از مبادی دیگران اخذ کردند، سرزمین‌های اسلامی پراکنده شده و دولت اسلامی به ضعف گرائید. کار به جای رسید که سرزمین‌های اسلامی آله بازی و نقطه بحث در کنفرانس‌های اشغال‌گران قرار گرفت و دروازه آن بروی حملات نظامی، تقسیم و استعمار سرزمین و ریختاندن خون مسلمانان باز گردید.

قرآن، سیرت و تاریخ اسلامی به ما درس‌ها و اندرزهای را می‌دهد که می‌بایست بر اساس آن مفکوره و قناعت‌های خویش را بنا نهیم و این‌که اقامه نظام الهی؛ یعنی خلافت اسلامی حتماً به کمک الله متعال تأسیس خواهد گردید، صرف نظر از قدرت و پیش‌رفت دول جهان؛ چون دین ما به ما امر داده است که در هر حالت از رب خویش اطاعت نمائیم و به قدرت و راستی دین خویش ایمان داشته باشیم. بنابراین، اعتماد کامل داشته باشیم براین‌که ارتش‌های اسلامی می‌توانند برادران و خواهران رنج‌دیده خویش در سوریه، فلسطین، کشمیر، چین، میانمار و دیگر سرزمین‌ها را نجات دهند، صرف نظر از حجم ارتش‌های آن سرزمین‌ها؛ چون ارتش‌های ما تنها به این امر الله سبحانه و تعالی لبیک می‌گویند: دفاع از زندگی و سرزمین‌های مسلمانان. این‌گونه باورها و یقین‌ها با اصطلاحات و حرف‌های گره خورده است که بارها ما آن را تذکر داده‌ایم؛ ولی کم‌تر کسانی‌اند که معنی و مفهوم آن را درک کنند- لاحول ولا قوه الا بالله! در این شکی نیست که الله سبحانه و تعالی نصرت‌اش را به آنانی اعطاء می‌کند که دین‌اش را نصرت می‌دهد. در مورد فرموده است:

﴿وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ * تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾

[البقره: 251]

ترجمه: و اگر الله [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می‌گرفت؛ ولی الله نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است.

د. نسرين نواز

رئيس بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: عبدالحمید سلیمی